من ز آغاز و ز انجام اثر باخبرم

و یک یادآوری

سیدمحمد دبیرسیاقی

۱. خواب شوریده

سرکار خانم فرشته فصیحی، نوادهٔ مرحوم شوریده و فرزند حسن فصیحی متخلص به احسان، از راه لطف نسخه‌ای از مجلّد اول دیوان شوریده که پدرشان به خطّ خوش نوشته‌اند و عیناً به طریقهٔ اُفست طبع شده است، برای بنده و نسخه‌ای برای کتابخانهٔ لغتنامهٔ دهخدا مرحمت کردند و مژده دادند که مجلّد دوم آن را نیز که در دستِ طبع است و به زودی منتشر می‌شود خواهند فرستاد.

چندی بعد اطلاع دادند که آن مجلّد از طبع بیرون آمده و منتشر شده است و طبق وعده دو نسخه از آن برای بنده و کتابخانهٔ لغتنامه فرستاده‌اند.

شب هنگام سرخوش از آن خبر در عالم رؤیا مرحوم شوریده را دیدم؛ همان گونه که عکس تمام‌قدّ او را با عصایی در دست سابقاً در مطبوعات چاپ کرده بودند. از ایشان پرسیدم: می‌دانید این بیت از کیست:

«ما ز آغاز و ز انجامِ جهان بی‌خبریم
اوّل‌وآخراین‌کهنه‌کتاب‌افتاده‌است...»؟

گفتند: از کلیم کاشانی است؛ اما برخلاف گفتهٔ او،

من ز آغاز و ز انجامِ اثر باخبرم
اوّل و آخرِ این تازه کتاب...

(بعد زیر لب زمزمه کردند) این قول و غزل، این گنجِ گهر، این بحرِ دُرَر، این... جلدِ دوم عکسِ من است.

پس از چند روز که از تهران مُجلّد دوم را برایم آوردند دیدم که عکس مرحوم شوریده هم در آغازِ کتاب چاپ شده است و هم در انتهای اشعار پیش از مادّه‌تاریخ‌ها.

رَحمةالله علیه!

۲. یادآوری

جناب آقای ایرانی، مدیر محترم مجلهٔ آینهٔ میراث و انتشارات میراث مکتوب

چندی پیش مقاله‌ای دربارهٔ مصراع‌گونهٔ «زگهواره تا گور دانش بجوی» برای درج در مجلهٔ با ارج آینهٔ میراث فرستادم و ضمن آن متذکر گردیدم که افزوده‌شدنِ «چنین گفت پیغمبر راست‌گوی» به عنوان مصراعی بر آن مصراع‌گونه با ضعفِ تألیفی که دارد ناروا و اشتباه است.

آن زمان حافظه یاری نکرد که نام گویندهٔ آن مصراع‌گونه

و در حقیقــت برگردانندهٔ حدیث «اُطلبــوا العلم من المهد الی اللحد» به آن صورت را به خاطر بیاورم و در مقاله نوشتم که نام برگرداننده را به یاد ندارم.

برحســب اتفاق اخیــراً که به مناســبتی مراجعه به مجلّات قدیم داشــتم، در مجلهٔ کلک شــمارهٔ ۸۹ تا ۹۳ صفحات ۱۴۷ و ۱۴۸ ضمن مقالهٔ خود به نام برگردانندهٔ حدیثِ مورد اشــاره به صورت آن مصراع‌گونه برخوردم و او میرزا ابوالقاســم ملقب به فخرالاســلام مردی ادیب و باذوق و شــاعری نیکوسخن از خاندان‌های محترم شــیراز و تا پایان عمــر در خدمتِ وزارت معارف بوده اســت و در سال ۱۳۱۵ شمسی که سالِ مبارزه با بی‌سوادی و تأسیس کلاس‌های شبانه برای آموزش سالمندان بوده، آن حدیث را به فارســی برگردانده است و آن ترجمه در بحر متقارب که صورتِ مصراعی یافته، مَثَلِ ســایر گشته و در زبانِ خُرد و بزرگ افتاده اســت و شادروان حکمت، وزیرِ وقتِ معارف، چون آن را موافق برنامه و روش تعلیم و تربیت وزارتِ معارف دیده، دستور داده است در کتب درسی و مواقع مقتضی از آن استفاده شود. ■